

۹

فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی

يك زيگورات عيلامی

ترجمه و تفسیر مقاله دکتر ر. گیرشمن رئیس هیئت

باستان شناسی فرانسه در ایران

توسط

حبيب الله صمدی

موزه دار موزه ایران باستان



۱۳۳۴

مطبوعات دانشگاه تهران



اسکن شد

۹- ترجمه و تفسیر مقاله دکتر ژ . گیرشمن رئیس هیئت
باستان شناسی فرانسه در ایران درباره

يك زيگورات عيلامی

توسط

حبيب الله صمدی

موزه دار موزه ایران باستان

برای ملاحظه عکسهای
مورد ذکر در این مقاله
به متن فرانسه مراجعه
فرمائید .

يك زيگورات عيلامی

باستانشناسی جديد اين تمايز را دارد كه «برج بابل» معروف را كه وصف آن در تورات آمده بمنزله يک «زيگورات» ميشناسد اين نوع بنا از آغاز مدنيت مردم قديم بين النهرين يعنى ابتدا درميان بناهاى مذهبى سومريان و بعداً در بين اقوام بابل و آشور متداول گرديده عيلاميان كه مذهبشان از نفوذ همسايگان ايشان بركنار نبود نيز بساختن اين نوع بناها پرداختند اما اين نكته متيقن است كه تا اين تاريخ در اين قسم معابد عيلامى بطور علمى و روش صحيح حفارى بعمل نيامده است. در آخرين حد ارتفاع بنا يقيناً معبدى وجود داشته است - پرسشى كه همواره براى تفحص كنندگان پيش آمده اين بوده است كه آيا زيگورات برجى بوده كه برفراز آن معبدى قرار داشته و معبد مزبور جاىگاه خدايان بوده است يا اينكه بتصور بعضى از دانشمندان برفراز برج مقبره وجود داشته است؟

آ. پارو دانشمند فرانسوى در كتاب جديد خود بنام **زيگوراتها و برج بابل** (چاپ پاریس ۱۹۴۹) كه آراء و عقايد مختلف را درخصوص اين موضوع طى آن بطور خلاصه جمع آورى نموده ظاهراً نظريه اول را مرجح دانسته است و يرانه اين قسم بناها كه در دشت بين النهرين واقع بوده و آنچه كه هيئت هاى علمى در آنها مبادرت بحفارى كرده اند بقسمى بوده است كه اطلاعات لازم و كافى براى روشن شدن مطلب بدست نيامد.

درميان ده ها الواح نبشته دار يکى از آنها كه بنام لوح «ازايل» (۱) موسوم است و درموزه لوور نگهدارى ميگردد متضمن توصيف زيگورات بابلى بوده و از اين حيث شايد توجه زياد است اما متأسفانه در كشف كامل مندرجات اين لوح هنوز آنطوريكه بايد توفيق حاصل نگردیده و البته روزى اين پيروزي علمى نصيب خواهد شد. بطور كلى درسرزمين بين النهرين راجع باین موضوع كشفیات كامل نشده وحتی در آن قسمت كه بطرف جنوب شرقى بسط یافته و باقلمرو عيلام

مربوط بوده است خیلی کمتر تحقیقات علمی صورت گرفته است با وصف این منابع و اطلاعات جدید که شناسائی ما را در خصوص ساختمان زیگورات تکمیل میکند مدیون یک شهر عیلامی است. اگرچه این کشفیات هم که بر اثر کاوشهای «چغازنبیل» توسط هیئت علمی حفاری فرانسه بدست آمده باز هم برای مسئله فوق راه حل قطعی بشمار نمیرود.

محل چغا زنبیل بخط مستقیم درسی کیلومتری جنوب شرقی شوش است و این همان شهر «دوراوتاشی» (۱) است که در هفتمین یورش «آشوربانی پال» ذکر آن بمیان آمده و توسط پادشاه عیلام (۲) بنا گشته است. پادشاه اخیر الذکر بواسطه معابد عدیده که در شوش ساخته است معروفیت بسزائی دارد و در اواسط قون سیزدهم پیش از میلاد مسیح میزیسته است. در میان شهر یک «تمنس» (۳) یا محله مقدسی قرار گرفته که حصاری اطراف آنرا احاطه نمیکرده و محوطه مربعی را تشکیل میداده است هر ضلع مربع مزبور بالغ بر ۴۰۰ متر میگشته است در وسط این محله بقایای یک زیگورات عظیم و مستحکم دیده میشود که ارتفاع فعلی آن از کف اصلی اطراف میدان جلو معبد از ۲۵ متر افزون است. نخستین هدف حفاری این

۱ - نام دور اوتاشی که در کتیبه آشوربانی پال نام برده شده برای نخستین بار آقای «دومکن» رئیس هیئت سابق حفاری فرانسه تشخیص آنرا داده و بعداً «پرشیل» دانشمند خط میخی شناس معروف فرانسه آنرا تأیید کرد و کتیبه های مکشوفه بعدی نیز این موضوع را اثبات نمود «دوراوتاشی» یعنی قلعه «اوتاش» مانند «دورکوری گال زو» Dur-Kurigal-zou که بمعنای قلعه «کوری گال زوی» موسوم است این شخص اخیر در حدود ۱۷ قرن پیش از میلاد شوش را غارت کرده است. مترجم

۲ - نام اوتاش هوپان را در مقاله حاضر آقای دکتر گیرشمن ذکر کرده اند اما باید دانست که بموجب مندرجات جلد سی و دوم و جلد سی و سوم خاطرات هیئت علمی فرانسه که توسط آقای «دومکن» رئیس سابق هیئت نوشته شده است همه جا نام سازنده چغازنبیل «اوتاش گال» Untash-gal قید شده و حتی خود آقای دکتر گیرشمن نیز در مقاله انتشاری اکادمی بوداپست سال ۱۹۵۲ تمام سازنده چغازنبیل را «اوتاش گال» ذکر کرده اند (رجوع شود بمقاله کاوشهای هیئت باستانشناسی فرانسوی در شوس ۱۹۵۱-۱۹۵۲ بقلم آقای ر. گیرشمن) مترجم

۳ - تمنس سرزمین مقدس محصور بود، که در آن معبد و یا معابد عدیده در قدیم میساخته اند اصل لغت یونانی است. مترجم

محل خاکبرداری اطراف بنا و محوطه آن و معابد دیگر بوده و هنوز در مرحله مسکونی اطراف که بدورادور « تمنس » گسترده شده و ممکن است در میان ویرانه های آن آثار کاخی عظیم نیز نمودار شود کاوشی بعمل نیامده است.

زیگورات مزبور که توسط « اونتاش هوبان » بنیان گردیده بزرگترین زیگوراتی است که تا کنون شناخته اند و احتمالاً تصور میرود بهتر از زیگورات های دیگر هم حفظ شده باشد هنگامیکه مشغول نگارش این سطور هستیم تنها^۲ این بنا خاکبرداری شده بدیهی است تحصیل هر نوع اطلاعات صحیح و اطمینان بخش بیشتر منوط بکشفیات آینده خواهد بود و چه بسا که ممکن است نتایج آن منجر به تغییر و تبدیل فرضیه ها و استنباطهای کنونی بشود.

برائر کاوش چغازنبیل تا این تاریخ سه کشف بسیار برجسته و جالب بشرح زیر صورت گرفته است :

۱- تحقیق در مسئله معماری مجموع بنا و سبک کار آن.

۲- کشف اتاقهایی در جوانب زیگورات که کاملاً^۱ پر گردیده بود.

۳- درك موضوع راه پله و وصول بپام برج و معبد روی آن

طبقه اول بارتفاع یک متر و بعرض سه متر تمام از آجر بنیان شده بوسیله سربالائی های کوتاه یعنی سطوح مورب اطراف بآن میرسیدند و هیچ طبقات بالا مرتبط نمیشده است.

طبقه دوم که از روی سطح زمین شروع شده ارتفاع آن به ۸ متر میرسد در قسمت وسط ضلع شمال شرقی و ضلع شمال غربی دارای دو در معظم بوده پلکانهایی در آنجا وجود داشته است (شکل - ۱) این طبقه در قسمت ضخامت خود محتوی اتاقهای مسقفی است که جبهه شمال غربی آن کاملاً^۲ خاکبرداری گردیده (شکل - ۲) تعداد اتاقهای مزبور که هر کدام به طول ده و بعرض ۲/۱۰ متر و بارتفاع ۶ متر است هفت عدد میشود که بیکدیگر هیچ راه ندارد. دیوار های این اتاقها بوسیله آهک با کمال دقت سفید شده و در هر کدام از آنها یک راه پله خروجی با خشت خام تعبیه گردیده است از این هفت اتاق درشش عدد آنها هیچ چیز بدست نیامد و تنها در یک اتاق چند کوزه پیدا شد.

در جبهه شمال شرقی زیگورات که نیمی از طول آن خاکبرداری گردید (شکل - ۳) در طبقه دوم دو ردیف اطاق موازی یکدیگر پدیدار شد که شرح آنها عیناً همانست که فوقاً در مورد ردیف اطاقهای اضلاع شمال شرقی و شمال غربی توصیف گردید - در یکی از اطاقهای مجاور ضلع خارجی بنا مقدار زیادی میخهای سفالی لعابدار انباشته بودند و بعضی از آنها متضمن نام « اونتاش هوبان » سازنده بنا است (شکل - ۴) و در اطاق دیگر مقداری میخهای سفالی لعابدار با صفحات مربع شکل کشف گردید (شکل - ۵) .

سه اطاق ردیف دوم را بدین صورت دست یافتیم که درون آن تا آخرین حد طاق و پوشش آجر چینی شده بود پس از آنکه آجرها را برچیدیم معلوم شد که دیوارهای آن کاملاً سفید و عاری از راه پله است کوچکترین شیئی دیگری هم در درون آنها رؤیت نگردید (شکل - ۶) فقط بازحات زیاد در هر یک از آنها تشخیص یک درگاه باطاق شلجی شکل دادیم که ارتفاع آن بالغ بر چهار متر میشد این سه درگاه که باخشت خام مسدود شده و هنگام سفید کردن دیوار بکلی از نظر مستور گشته بود سابقاً بمرکز زیگورات میرفته است - بنابراین باید معتقد بود که پیش از آنکه درگاه های این سه اطاق مسدود گردد تمام قسمتهای مرکزی زیگورات که امروز از مصالح ساختمانی پر شده محوطه باز و آزادی بوده است و بدین ترتیب ضمن پر کردن محوطه های داخلی زیگورات در های فوق الذکر را هم مسدود نمودند و پس از آن به پراساختن اطاقها پرداختند و چون برای پر کردن اطاقها راهی نداشتند تنها ترتیبی که بنظرشان رسیده این بود که در طاق اطاق دهانه مدوری باندازه ای که یک شخص بتواند از آن عبور کرده آجر و شفته لازم را برساند تعبیه کرده اند بعداً باچیدن آجر و بکار بردن ملاط تمام اطاق را پر کرده اند و بهمین نحو بالا رفته تا به سقف میرسیده اند آنگاه از سوراخ خارج شده شکاف را نیز با آجر مسدود کرده اند این عمل موجب شده که در موقع حفاری دیگر از سقف چیزی بجا نمانده و مواد درونی اطاقها بمثابه دیوار آجری واحد درآمده قسمت بالای آن صورت گرفته ماهی پیدا کرده بود که روی قسمت منحنی پوشش آن سه برج کوچک گرد قرار گرفته باشد (شکل - ۷) .

با مطالعه این ساختمانها این اصل را باید پذیرفت که زیگورات در یک مرحله بنیان نشده بلکه ساختمان آن بدین صورت تدریجاً انجام گرفته است بعبارت دیگر در مرحله نخستین تنها مبادرت بساختن دوطبقه چهارضلعی که در قسمت داخل فضائی آزاد داشته است نموده و در مرحله بعدی در این فضای داخلی به پی‌ریزی سه طبقه که بعداً باید احداث گردد مبادرت جسته اند .

از بررسی چاه ها و دهلیز هائی که ضمن حفر درون زیگورات احداث نمودیم و همچنین از خاکبرداری در محل قلعه معدوم شده و از بین رفته زیگورات ثابت و مدلل شده است که زیگورات مزبور برخلاف ترتیب متصور در ساختمان زیگورات ها احداث گردیده است . توضیح آنکه عموماً معتقد بودند که یک زیگورات مرکب از چند صنفه رویهم است که هر یکی از صنفه پائین تر خود کوچکتر است و سطح هر طبقه از روی طبقه زیرین آغاز میگردد لکن زیگورات مورد کاوش و ذکر ما طوری ساخته شده است که کلیه طبقات از یک عمق و یک سطح بنیاد گشته پی یا سطح اتکای هر طبقه تماماً از یک سطح و یک طرز شروع شده و مرتب هر طبقه از طبقه دیگر بلندتر گردیده است و هر طبقه داخل طبقه دیگر محصور شده است و سطح بالای طبقه پنجمی از همه بلندتر بوده است (شکل - ۸)

برای اولین بار در جریان خاکبرداری زیگورات معلوم شد که چگونه از طبقه پائین باخرین طبقه و بام بنا دسترسی پیدا مینموده اند از در بزرگ که روی طبقه پائین زیگورات میرسیدند داخل پاگردی میشدند که منتهی براه پله میشد و از پلکانها به طبقه دوم میرفته اند - در طول خاکبرداری از جبهه جنوب غربی نیز در نیمه ارتفاع طبقه دوم و طبقه سوم بهمین ترتیب پاگردی پدیدار گردید که مربوط براه پله ای دیگر میشود که بایک زاویه قائم در نزدیکی گوشه جنوبی بطبقه سوم منتهی میشده است . از قسمت های بالای طبقات بعدی چیزی نمانده است اما یقیناً راه پله های مشابه در هر کدام تعبیه شده بود و ترتیب صعود آنها قاعدتاً بنحوی است که در شکل - ۹ (نقشه) نشان داده است .

طرح تجدید ساختمان زیگورات از لحاظ ارتفاع بخوبی امکان پذیر است ما اکنون عرض و ارتفاع سه طبقه اول را بخوبی در دست داریم و با اطلاع از چگونگی

زیگورات بابلی که در لوح « ازائیل » توصیف شده است معلوم میگردد که طبقات سوم و چهارم و پنجم عموماً دارای ارتفاع و عرض یکسان بوده است (۱) باخاک برداری از فراز زیگورات این نتیجه را گرفته ایم که درچغازنبیل نیز عرض طبقات یکسان بوده است با استناد بهمین قرینه میتوان تصور نمود که ارتفاع طبقات نیز مانند زیگورات یابرج بابل بیک اندازه بوده باشد درصورت تحقیق این فرضیه ارتفاع مجموع پنج طبقه تقریباً بالغ بر ۴۴ متر میشود و اگر نه متر نیز برای ارتفاع معبد بر فراز زیگورات ملحوظ داریم جمعاً ارتفاع کلیه بنا به ۵۳ متر میرسد و این ارتفاع تقریباً معادل نصف طول قاعده زیگورات که ۱۰۵/۲۰ متر است میگردد (شکل - ۱۰ طرح نماینده ارتفاع بنا) .

اینکه بینیم منظور از ساختمان دو نوع اتاقهای پائین زیگورات که ازهرنوع آن تعدادی پدیدار گردیده چه بوده است - بدیهی است اتاقهاییکه درآن راه پله تعبیه شده و درتمام مدتی که زیگورات آباد و مورد استفاده بوده باین اتاقها دسترسی داشته اند نمیتواند محل انبار و مخزن معبد باشد زیرا وجود راه پله های خشت خام که همواره در معرض ریزش و خرابی است مبانیات با این منظور دارد از طرف دیگر موقعیت این اتاقها و عمق آنها و بلندی سقف و بالاخره دقتی که در سفید کردن دیوار های آنها معمول شده دلیل بر این است که از آنها استفاده دیگری مینموده اند با توجه باینکه درون یکی از این نوع اتاقها از میخهای سفالی و دیگری از میخ های سفالی لعابدار باصفحات مربع شکل انباشته شده بود میتوان یقین پیدا کرد که اتاقهای مزبور محل نگهداری تحف و هدایا و نذورات و تقدیمی ها بوده است .

اتاقهای هم که قبلاً به محوطه مرکزی باز میشده و با احداث طبقات بعدی زیگورات دهانه های آستانه های آنها مسدود گردیده و بشرحی که فوقاً توضیح داده شد متروک و بیمصرف گشته است در ابتدا بنوبه خود مورد استفاده نظیر اتاقهای پله دار سابق الذکر بوده است قبلاً خوبست باین امر توجه کنیم که اتاقهای دارای پله ظاهراً در هر چهار سمت زیگورات قرار داشته است لکن اتاقهای مسدود فقط

در جبهه شمال شرقی بنا که مقدس ترین محل آن بود (شکل - ۳) دیده میشود و از طرفی تمام این اطاقها دری بسمت داخل معبد داشته و بعداً توده های خشت فضای داخلی را پر کرده مدخل اطاقها را نیز مسدود ساخته است .

از این امر چنین برمیآید که از این اطاقها فقط برای مدت کوتاهی استفاده نموده اند یعنی در حقیقت پیش از بهیادداشتن قسمت مرکزی بنا و هنگامیکه فضای داخلی آزاد بوده استفاده لازم از آنها میشده است پس امکان قبول این فرضیه هست که در این هنگام در داخل یک محوطه چهار ضلعی که در میان ساختمان دو طبقه محصور بوده است آداب و مناسک مذهبی را برگزار میکردند و در این تشریفات این اطاقها نقش معین و مشخصی را داشته است که از کیفیت آن اطلاعی نداریم شاید بتوان اندیشید که در میان این فضای خالی معبدی یا سکویی وجود داشته که مراسم آداب مذهبی در آن برگزار میشده است ؟ این فرضیه بخصوص را میتوان باستناد تشریحی که گودآ (۱) از بنیان زیگوراتی نموده است بنظر آورد .

« روی معبد طبقه دومی بهیادداشت... روی معبد طبقه سومی بهیادداشت... »

۱ - گودا Goudéa از سلاطین بسیار شایسته بابل بوده که در حدود ۲۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در حدود بین النهرین و جنوب غربی ایران فرمانروائی داشته است با آنکه گودا پادشاهی فاتح بوده شهرت او در امور مذهبی بیشتر است زیرا مؤمن و معتقد بامور مذهبی بوده است از گودا چندین مجسمه در شوش و بین النهرین بدست آمده است که جملگی زینت بخش موزه « لوور » پاریس میباشد .

باستانشناسان عصر گودا را از نظر هنرمندی و صنعتی بسیار مهم میشمارند و از دوران طلائی اعصار گذشته میدانند . برای ساختمان معبدی بنام ا. نینو E. Ninnou که در شهر « لاگاش » بنیان گذارده است سند جالبی از او باقی مانده است که آقای دکتر گیرشمن استناد بدان نموده اند و مترجم متن کامل آنرا در شماره دوم مجله یغما (اردیبهشت ۱۳۳۳) انتشار داده است و علاقه مندان میتوانند بدان مراجعه نمایند باستناد این لوح گودا در پایان مراسم و تشریفات و انعقاد مجالس یاد بود در سراسر کشور بیکباره فعالیت ساختمانی این معبد را شروع کرده است عیلامیان از عیلام ، شوشیان از شوش ، ماگان و ملوخوا از کوهستانها چوب برای بنیان معبد آوردند اما گودا خود عازم کشور سدر زار شد که هیچکس بدان راه نیافته مصالح فراوان که در لاگاش جهت این ساختمان جمع شده عبارت بود از چوب و سنگهای مختلف و مرمر و بیتوم (قیر طبیعی) و مس و سرب و خاکه طلا . مترجم

روی معبد طبقه چهارمی قرار داد » و غیره (۱) اما در ترجمه جدید سند مزبور کلمات « روی معبد » حذف گردیده است (۲) .

همچنین میتوان اینطور پنداشت که اطاقهای سابق الذکر طی تشریفات و مراسم مذهبی خود چون معبدی بکار میرفته و از آنها بصورت معبد استفاده میکرده‌اند (۳) اکنون این فرض هم مشکل است زیرا در این اطاقها پس از آنکه

۱ - کتاب سابق الذکر ۱ . پارو صفحات ۱۷ و ۱۸

۲ - ایضا صفحه ۱۸

۳ - در نظر مترجم ممکن است این موضوع ارتباط با یک سنت مذهبی بسیار قدیم‌تری داشته باشد که در معماریهای قدیم نظائر زیاد پیدا میکند برای ذکر یک نمونه از این سنت میتوان معبد بانین انکژر Banyon d'Anker (نام خرابه های معبد بسیار مهمی است که در کاسوج هندوچین فرانسه از طرف هیئت‌های علمی فرانسه در آن کاوش شده است آثار و تصاویر برجسته این معبد مربوط پیروان بودا میباشد خود معبد امروز نیز مورد استفاده پیروان بودا است) که در قبال هر نوع تزئینات و حجاریهایی که روی زمین بکار برده شده نظائر آنرا در زیر زمین نیز ساخته‌اند تارعايت تقسیم جهان به آسمان و زمین و جهنم را کرده باشد شاهد دیگر این نظریه همانا ویرانه‌های عظیم بابل قدیم است که در جنوب بغداد قرار گرفته و استحکامات این شهر عظیم تاریخی که بروزگار قدرت و شوکت بالغ بر یک میلیون جمعیت داشته است بلافاصله پس از کانال نیل شروع میشود در بالای تپه‌ای که دامنه‌اش پر از خرده آجرهای چندین هزار ساله است سابقاً گنبدی عظیم وجود داشته که رواقها و مسیر آن اختصاص بزائرین و عبادت کنندگان دوران پیش از تاریخ داشته است بدنه‌های دیوارهای این معابد فرو ریخته است و چنان مینماید که حادثه‌ای ناگهانی و عظیم این همه آثار را بیکبار ویران و منهدم کرده باشد سطح دیوار دروازه بنقش ربه النوع « ایشتر » با اشکال و صور حیوانات افسانه‌ای و تزئینات برجسته دیگری که عموماً از آجر میباشد مزین گردیده است و خوشبختانه و دهلیز و راهروهایی که تا با امروز زیر خاک واقع شده سالم مانده است در این دالان که تنها مسیر پراهمیت این ویرانه‌ها است و مسلماً برای انجام تشریفات مذهبی تهیه گردیده بر اثر کاوشهای متوالی دیگر آثاری وجود ندارد لیکن وضع موجود برای باستان‌شناسان ایجاد يك معما و ابهام میکند بدین معنی که آیا بخت‌النصر سازنده این دالان یکدفعه تغییر عقیدت داده آن را پر کرده است و آنگاه ساختمان را روی آن بنیان نهاده است ؟ یا برعکس این کیفیت مرتبط بامسئله است که در آغاز بدان اشاره کردیم یقیناً شق اخیر صحیح بوده است و همچنین نحوه فکر در اطاقهایی که عمداً در چغا زنبیل پر کرده‌اند نیز معمول شده است (مترجم)

آجرهای انباشته درون آنها را بیرون آوردند حتی یک تيله شکسته و یک شی کوچک که دلیلی بر وجود قربانگاه و یا معبد باشد مکشوف نگردید در صورتیکه مطابق آنچه میدانیم و کاوشهای آشور هم گواه آنست هیچگاه اشیاء داخل اتاقی را که معبد بوده و متروک میگشته است از درون آن خارج نمیساختند و اثاثیه عبادت و اشیاء مربوط به نذر و هدایا را در جای خود گذارده تنها در را مسدود میکردند (۱) و همچنین هرگز داخل این اتاقها را از کف تا طاق با آجر پر نمینمودند.

آجرهای کتیبه داری که در روپوش خارجی زیگورات بکار رفته و ضمن حفاری در اطراف آن بدست آمده تا آنجائیکه اثرات طبقه سوم باقی مانده است پدیدار میباشد و البته آنچه مربوط بطبقات بالا بوده نیز فرو افتاده است متن این آجرها عموماً مکرر و شامل فرمانی از پادشاه عیلامی «اونتاش هوبان» میباشد.

از نوشته روی آجرهای مزبور (۲) برمیآید که قسمتهای مختلف و عمده که معبد را تشکیل میداده است یعنی حصار و معبد و قسمتهای انباشته و توپر آن و قسمت عبادتگاه و بنای «کوکونوم» (Kukunum) یا «ژیگونو» (Gigunu) که تفصیل آن بعداً خواهد آمد مربوط به زیگورات بوده است از حصار بنا در نتیجه خاکبرداری قسمتهائی از آن اطلاعاتی در دست هست (شکل ۱۰) قسمتهائی هم که از خشت انباشته شده هر طبقه بر قسمتی از آنها بنیان گردیده بر ما معلوم است قسمت عبادتگاه نیز از میان رفته آثاری از آن در بالای قسمت موجود و دامنهای زیگورات بدست آمده است این آثار مشتمل بر قطعات کاشیهای نوشته و مقداری صفحات نازک طلا که معرف اثاث با شکوه و طلاکوبی درهای آن بوده است میباشد.

بنابر آنچه ذکر شد باید درباره اصطلاح **ژیگونو** در اینجا توضیحاتی ذکر نمود در کتیبه های سومری و اکدی نام **ژیگونو** اطلاق با طاقهای مخصوص میشده که از چشم مریدان و نیایش کنندگان پوشیده میماند معمولاً این اطاقها مربوط بخدایان بوده چگونگی استفاده از آنها نیز بر ما مجهول است - از قرار معلوم در نینوا

۱ - کتاب تجدید تأسیس آشور تألیف و . اندرا صفحات ۱۱۲ و ۱۱۳

۲ - یکی از آجرهای نوشته دار بنام این سلطان در حدود نیم قرن پیش پدیدار گردیده و توسط پرشیل بسال ۱۹۰۱ در جلد بیستم صفحه ۳۶ خاطرات هیئت علمی فرانسه ترجمه گشته است.

قبور سلاطین را «ژیگونو» هامی ساخته اند و در لوح معروف «گودآ» ژیگونورا بارب النوع آپسو قیاس نموده اند و بدین قرار خدای غرقاب و سکنه زیر زمین بوده است (۱). در مورد زیگورات چغا زنبیل اگر بخواهیم راجع به محلی که بنام ژیگونو معرفی گشته است توضیح داده آنرا با آثار موجود تطبیق نمائیم البته نام مزبور به اطاقهای پنهائی اطلاق میشود که در جوانب طبقه دوم قرار داشته و سطح آن پائین تر از سطح زیگورات و محوطه اطراف معبد است - بطوریکه دیدیم در باره اطاقهای راه پله دار چنین استنباط شد که از آنها برای محل تقدیم هدایا استفاده میکرده اند - اینک از خود میپرسم که شاید مصرف دیگری داشته است با قیاس به بناهای مشابه آن که در نینوا کشف گردیده میمورد نیست این فرضیه را که اطاقهای مزبور محل قبور سلاطین بوده است بنظر آوریم در مورد اطاقهاییکه با دقت هرچه تمامتر مسدود گردیده است تنها فرضی که با احتیاط هر چه تمامتر میتوان عنوان

۱ - برای اطلاع بیشتر بکتاب سابق الذکر پارو صفحه ۲۰۲ ذیل ۲۱ مراجعه شود بنابر منظومه آفرینش که در حدود یک هزار سطر بوده و شامل ۷ قسمت است و بسال ۱۸۶۵ «لایارد» (Layard) انگلیسی از کتابخانه آشوربانی پال کشف نموده است نخستین رب النوعی که وجود یافته «آپسو» بوده است بدین تفصیل :

«آنگاه که در آن بالا بالاها آسمان هنوز ناسی نداشت و زمین فاقد نام بود از اقیانوس اولیه «آپسو» خدای آب شور و پدر موجودات برخاست و از دریای متلاطم مادر آنان «تیانات» Tiannat پدیدار گردید مزارع بی حاصل و نیزارهای انبوه دیده نمیشد همه چیز درهم و برهم بود هنوز اسمی نبود زیرا موجودی وجود نداشت خدایان در . . . خلق شدند»

«از نخستین توالد و تناسل «آپسو» و «تیانات» «مومو» بوجود آمده «مومو» با والدینش مجموعاً ثلاث اولیه را جهت تکثیر نفوس تشکیل دادند و متعاقب آن خدایان تکثیر شدند و بدین ترتیب که نخست دوجود دیگر بنام «لاخامو» و «لاخمو» پدید آمدند و از این دوتن دو خدای دیگر بنام «انشار» و «کین شار» بدنیا آمدند بعداً «آنو» رب النوع آسمان و پشت سر آن «نود یمود» یا «آآ» که نیرومندترین رب النوع ها بود متولد شدند» . مترجم

نمود این است که بگوئیم اطاقهای مزبور مظهر قبور خدایان بوده است - این فرضیه هم تازگی ندارد و قبلاً نیز چنین اندیشیده بوده اند (۱) .

۱ - کتاب طوفان بابل تألیف ژ «کتنو صفحه ۳۸۵»

داستان طوفان بابل که آقای گیرشمن استناد جسته اند نیز ارتباط با کشف عظیم و جالب کتابخانه آشوربانی پال دارد این داستان که ریشه آن مربوط به چهار هزار سال پیش از این است تأثیری مهم در مذاهب یهود و مسیحیت و اسلام بخشیده است و درحقیقت با مختصر تغییری این داستان در کتب آسمانی آمده است داستان طوفان شامل سه قسمت مجزا از یکدیگر است که بسهولت این قسمتها را میتوان تشخیص داد ما خلاصه آنرا در اینجا نقل مینمائیم .

بروزگار قدیم در سرزمین « **دیلمون** » Dylmoun بهترین مناطق کشور سومر قدیم خدایان آب « **انکی** » و « **نیملا** » (Ninnela) که اولی رب النوع و دومی ربه النوع بود مانند زن و شوهر فرمانروائی میکردند انسان و حیوان خوش و خرم بدون اذیت و آزار یکدیگر زندگی مینمودند و در دوزخ عارض انسان نشده بود انسان معنای بدی را نمیدانست مفهوم گناه و رنج و الم بر او پوشیده بود همچنین پیری را نمیدانست درلکند بین گله های اغنام و احشام و ددان شکاری و گوشتخوار صلح و صفا حکمفرما بود کولاک و برف و باران که ویرانی ببار آورد وجود نداشت .

متأسفانه ناز و نعم این بهشت واقعی خدایان برای اهالی آن چندانی نپائید ارباب انواع روی تمنای خدای « **بل** » مصمم بانهدام عالم و بنیاد انسان گردیدند « **انکی** » یکی از خدایان « **نین تود** » درد دل کرده گفت . رب النوع قضا و قدر در نهان سخی و کریم است و اضافه نمود که انسان از نظر خدای خلقت مخلوقی نامطبوع جلوه گر شده است بدین جهت است جهان را بر اثر یک طوفان مدهش که هشت ماه بطول خواهد انجامید و درست در آغاز ماه نهم بیایان خواهد رسید نیست و نابود سازد . « **نین تود** » پس از شنیدن این توطئه علیه عالم انسانی آن روز رقت آورده بر آن میشود که لا اقل « **اوتا ناپیشتم** » (Outanapishtim) را احضار نموده محرمانه بدو ارائه طریق کرد تا کشتی بسازد و در کشتی فاسیل و بستگانش را باضافه حیوانات کوهستان پرندگان آسمان را جای دهد « **اوتاناپیشتم** » (پس از مراحل) برای امتثال امر رب النوع آنچه گفته بود انجام داد وی پس از آنکه بایستگان و کسان خود به همراه نمونه های مختلف بذر و حیوانات گوناگون مدتها در روی آب سرگردان بود کشتی او بنزدیک قله « **نی تسیر** » (Nitsir) رسید و این است پایان کتیه « قله کشتی را متوقف ساخت و مانع از این گردید که تکان بخورد پسیدن روز هفتم یک کبوتر بخارج پرواز دادم کبوتر رفت و برگشت چون جائی ندیده بود برگشته بود یک پرستور بخارج پرواز دادم پرستور پرواز کرد و بازگشت چون جائی ندیده بود برگشته بود کلاغی را گرفته و پروازش دادم کلاغ رفت و فرونشستن آب را دید بچریدن و راه رفتن در باتلاق پرداخت غارغار نمود برگشت از کشتی پیاده شدم و باده گساری زیادی کردم یک تقدیمی رو قله کوه گذاشتم چهارده ظرف سفالی در آن جایگاه قرار دادم در پائین آن نیهائی گذاشته چوب سدر و مورد ریختم خدایان بو را استشمام کردند و مانند مگسائی بدور قربانی کننده جمع شدند .

توضیح آنکه از مدتها پیش فکر میکردند که زیگورات جنبه آرامگاه هم داشته است (۱) این فکر ناشی از این شده بود که زیگوراتها از نظر ترکیب و شکل هرمی خود با هرم چند طبقه ساکارا شبیه بود و از نظر وضع معماری نیز با آن تطبیق مینمود - در هر دو بنا ساختمان هر طبقه بطور جدا گانه از کف زمین آغاز میگردد (۲) از طرفی هم سترابون صراحتاً مینویسد که زیگورات بابل مقبره خدای « بل » بوده بگفته دیودورد و سیسیل قبر پادشاه بابل موسوم به نینوس همسر سمیرامیس در همان زیگورات قرار داشته است - این نوشته ها با وجود اینکه کم و بیش متضمن مطالب ساختگی هم هست از کجا که حقایق دربر نداشته باشد (نینوس پادشاه بابل و شوهر ملکه سمیرامیس را با نینوس پهلوان افسانه ای یونان که از نسل هر کول بوده و پسرش « اگران » مؤسس سلسله هرقلی شده است نباید اشتباه کرد (مترجم) .

در کتیبه منسوب به نبونید پادشاه بابل هم زیگورات لارسامقبره بلند خدای شمش (۳) معرفی گردیده و این قسمت نیز مطلب بالارا تأیید مینماید .
چنانچه فرضیه فوق صحیح باشد زیگورات منحصر آنه معبد است و نه آرامگاه بلکه معبدی است که جنبه آرامگاهی هم داشته است - از نظر لغوی کلمه زیگورات - **زاگ** - **گار** بمعنی مکان خدا است (۴) طبق معتقداتی که از قدیم وجود داشته است این مکان مقدس نباید به ساختمان معمولی مردمی که فانی میشوند و از بین

۱ - کتاب سابق الذکر ا . پارو صفحه ۲۰۲

۲ - از آقای ژ . ف . لور که این اطلاعات را جهت اینجانب تهیه کرده اند سپاسگزاری میکنم .

۳ - کتاب سابق الذکر ا . پارو صفحات ۱۰ و ۲۰۲

شاماش یا شمش که سومری ها باو « بابار » میگفته اند خداوند عدل و داد بوده است معمولاً او را بشکل انسانی میساخته اند که نشسته و شعاع هائی از شانه هایش ساطع است زمانی که بشکل انسان او را میکشیدند از کوهی بیرون آمده دوفرشته درب مشرق را بروی او باز مینمایند اغلب آلتی دردست که یکطرف آن شبیه بتیغه اره است بعضی تصور کرده اند که اسلحه ای از نوع سنگ آتش زنه (چخماق) میباشد و برخی برآنند که کلید در مشرق است . مترجم

۴ - از آقای ژ . دوسن که این اطلاع را در اختیارم گذارده اند سپاسگزاری میکنم

میروند شباهت داشته باشد بلکه محلی است که اموات در آنجا دفن هستند و در آن باقی میمانند و بهمین مناسبت بنای زیگورات هم محل جاودانی ارواح و عبادات ایشان خواهد بود .

پیش از پایان مقاله کوتاه خود وظیفه خویش میدانم همکاریهای ذیقیمت آقایان ژ. ژاکه و ژ. ویگاری معماران هیئت علمی را در این خدمت علمی یادآوری نمایم و نیز نباید فراموش کنم که با مساعدتهای آقای مصطفوی رئیس باستانشناسی ایران و آقای صمدی موزه دار موزه ایرانباستان موفق بانجام اینکار مفید علمی شده ام .

تهران مهرماه ۱۳۴۳



